

تحلیلی بر آنچه در حوزه سیاست کرمان می‌گذرد

این کرمان سیاسی

کرمان، دیار بزرگان



سینا خسروی

از بیش از نیم قرن قبل تاکنون تاریخ سیاسی کرمان، دستخوش بالا و پایین‌های بسیاری بوده و البته این خطه ی کویری با در اختیار داشتن مهره‌های قدر، نقش آفرینی در خور اعتنایی در بازیه‌های سیاسی کشور هم داشته است. چه در روزهای بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که مردمانش در سوگ قتل فجیع سرگرد سخایی به دست عروسک‌های لمپن کودتا - آن هم به جرم دوستی با مصدق - خون‌گریه می‌کردند و چه در سالهای پیش از آن که پیرمرد احمدآبادی با حمایت بازاریان کرمان به نخست‌وزیری رسیده بود.

در آن روزگار کرمان، سیاستمدار معروف، خاکستری و پیچیده‌ای همچون مظفر بقایی را داشت و البته کمی بعدتر شاید اواسط سال ۱۳۳۷ یک طلبه ۲۴ ساله را به صحنه سیاسی کشور تحویل داد. جوانی که با سخنرانی متفاوت خود در مدرسه زنگنه همدان در تاسوعای ۱۳۳۷ شمسی، بلافاصله دستگیر شد و این دستگیری پلی برای هدایت وی به مسیری گردید که ۲۰ سال بعد به زعامت آیت‌الله سید روح‌الله خمینی به ظهور انقلاب اسلامی در ایران انجامید. این روحانی رفسنجانی بعدها نقش غیر قابل انکاری در تاریخ ایران معاصر ایفا نمود و بر کرسی‌های مهمی همچون فرماندهی جنگ، ریاست جمهوری، ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست خبرگان و ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام تکیه زد و به گزاف سخن نگفته ایم اگر بخوایم علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی را در زمره بزرگترین سیاستمداران ایران در صدسال اخیر قرار دهیم، دیار کریمان اما به این یک نخبه سیاسی بسنده نکرد. سیاستمدار دانشمندی همچون مرحوم علامه علی حجتی کرمانی را در دامان خود پروراند که در دوران پس از تبعید امام به همراه امام موسی صدر، شهید دکتر بهشتی و آیات عظام موسوی اردبیلی، مکارم شیرازی و شبیری زنجانی از نخبگان کلاس درس آیت‌الله سید محمد محقق داماد بود. به گواهی اسناد موجود، علی حجتی کرمانی به آنچنان جایگاهی در نهضت رسیده بود که در محرم ۱۳۴۲ در کنار امام به حسینیه‌ها و مساجد می‌رفت و در حضور ایشان سخنرانی می‌کرد. دست پروردگان حاج میرزا عبدالحسین حجتی اما به مرحوم علی ختم نمی‌شد که پیش از ایشان، سیاستمدار و "گه‌نه زندانی" رژیم پهلوی یعنی محمدجواد حجتی کرمانی نیز از همین خانواده یا به عرصه سیاست ایران زمین گذاشته بود.

نماینده کرمانی‌ها در دو دوره مجلس خبرگان، در تبعید و زندان با بزرگانی همچون آیات عظام خامنه‌ای و طالقانی ساعات بسیاری حشر و نشر داشت. دیگر "محمدجواد" بزرگ کرمانی‌ها، طلبه اندیشمند اهل "محلّه شهر" بود که طعم شهادت را در شهریور ۶۰ در لباس صدارت ایران چشید. "باهتر" ی که هنرمندانه در کنار تحصیلات حوزوی به عالی‌ترین مدارج تحصیلی دانشگاهی هم پرداخته بود، در دیماه ۵۷ در کنار هاشمی رفسنجانی، موسوی اردبیلی و شهدای گرانقدر بهشتی و مطهری به دستور امام، هسته ۵ نفره شورای انقلاب اسلامی را شکل داد.

بی‌شک محمدجواد باهنر از جمله مهره‌های ارزشمندی بود که خیلی زود انقلاب را با جای خالی خودش تنها گذاشت. این اما تمام ماجرا نیست. استان کرمان در لایه‌های مختلف جمهوری اسلامی مردان بزرگ، تاثیر گذار و نامور کم نداشته است. از سردار سرافراز سپاه اسلام، حاج قاسم سلیمانی گرفته تا سید بی‌ادعای مطبوعات کشور محمود دعایی و به ایشان اضافه کنیم سید یحیی جعفری، مجید انصاری، موحدی کرمانی، اسحاق جهانگیری، سیدحسین مرعشی، محمدرضا باهنر و محسن جلالپور.

مهمان نوازی سیاسی، خصلت ریشه دار دیار کریمان

علاوه بر مهره‌های سرشناس بومی، این کرمان سیاسی‌ها، متأثر از فرهنگ اصیل و ریشه دارش، در عرصه سیاست ورزشی هم از اینکه مهمان نوازش بخوانند، هرگز آباپی نداشته است. از همان روزگاری که تنها پسر ملک المتکلمین -خطیب اصفهانی و مشهور دوران مشروطیت- برای اینکه بتواند پای در هفتمین مجلس پس از مشروطه بگذارد، کاندیداتوری خود را نه از اصفهان که از "بم" اعلام کرد و ۷ دوره هم وکیل بمی‌ها در مجلس ماند، اهالی مهمان نواز خطه کریمان به خوبی پتانسیل خود را برای رای دادن به غیربومی‌ها نشان دادند. البته این غریب

نوازی منحصر به اهالی بم و مهدی خان ملک زاده نمی‌شود که برادران شادمان و مهندس عبدالوهاب عترت هم اگر چه تهرانی بودند، اما از ۵ دوره و کالت برای مردم جیرفت، آنچنان ناشادمان نبودند. از حسن خان مشار، بنیانگذار شرکت تریاک ایران و احیاء الملک پدر دکتر ابوالحسن شیخ -بنیانگذار شیمی نوین در ایران- که از پایتخت آمدند و ۲ دوره و کالت اهالی سیرجان را عهد دار شدند که بگذریم، خود کرمانی‌ها هم در ادوار دوم و پنجم مجلس به میرزا یحیی دولت‌آبادی که او هم از اهالی اصفهان بود اعتماد کردند. تازه در آن دوره‌ای هم که مردم کرمان قهر کرده و وکیل نخواستند، میرزا مهدی نجم‌آبادی از تهران به عنوان وکیل تسخیری کرمان انتخاب شد. این از وضعیت نمایندگان مجلس ملی بود، که در میان سناتورهای هم، محمود جم فرزند میرزا محمد صادق کرمانی به عنوان تنها کرمانی موجود معرفی می‌گردد که او هم البته زاده تبریز بود و لهجه ترکی اش هیچ ربطی به کرمان و "محلّه شهر" اش نداشت. با این حساب باید گفت سهم بالای دار رفتن و سر زبر خاکستر کردن و خانمان بر باد دادن در راه مشروطیت را کرمانی‌هایی همچون میرزارضا و میرزا آقاخان و شیخ احمد و رفعت نظام و ناظم‌التجار دادند و نان و کالتش را غیر بومی‌هایی همچون ملک زاده و شادمان و ابوالحسن شیخ و ... خوردند.

دوقطبی‌های پر رنگ، جزء لاینفک تاریخی

تورق همراه با تعمق در تاریخ کرمان نشان می‌دهد که اهالی این دیار، همواره منش سیاسی خاص خودشان را داشته و معادلات و تصمیم‌هایشان تحت تاثیر جریانات سیاسی حاکم که عمدتاً از یکپارچگی لازم هم به دور بوده‌اند، از پیچیدگی منحصر بفردی برخوردار بوده‌است. مذاقه در صفحات تاریخ حاکی از آن است که اختلافات و دو دستگی‌ها منحصر به چپ و راست این روزها و تاریخ معاصر این دیار نمی‌شود. شاید تساهل و تسامح حاکم بر روحیه اهالی کرمان فضای بیشتری برای تسلط دسته‌ها و قوم‌ها و جناح‌ها فراهم آورده باشد، اما شرایط اقلیمی خاص و اهمیت جایگاه "آب" در نحوه شکل‌گیری سیاست و مدنیت در سرزمینهای محاصره در کویر و بالطبع اقتدار صاحبان آب در تصمیم‌سازیهای این مناطق نیز در تداوم اختلافات بی‌تاثیر نبوده‌است. در زمان امویان "آزارقه" های افراطی، کرمان را به دو دسته عمده تقسیم کرده بودند: خوارج و سایر مسلمانان. فتنه خوارج و اختلافات ایشان در کرمان آنقدر بالا گرفت تا مَهلب بن ابی صفره که پیش از آن در کنار آل زبیر موفق به سرکوبی قیام مختار شده بود، در نزدیکی های سیرجان در جنگی ده روزه خوارج این منطقه را قتل و عام کرد. در زمان سامانیان نیز دو دستگی شدید میان طرفداران سامانیان خراسان و آل بویه فارس آنقدر پیش رفت که منجر به ویرانی کامل سیرجان گردید.

در زمان قراختایان اختلاف بین سلطانان و ترکانیان مدت‌ها اهالی کرمان را در جدال و دو دستگی نگه داشت. در قرن هشتم، آن روزها که آل مظفر بخش وسیعی از جنوب کشور را تحت تسلط داشت، اختلاف شدید میان شاه شجاع و حاکم کرمان پهلوان اسد خراسانی جامعه کرمان را به دو دستگی محض کشانید و در نهایت با محاصره شهر توسط شاه شجاع به قحطی شدید و کشته شدن پهلوان اسد انجامید. اختلافات در زمان نبرد معروف میان آقامحمدخان و لطفعلی خان هم که منجر به ایجاد تپه‌ای ۲۰ کیلویی از چشم‌های کرمانیان شد که دیگر بر کسی پوشیده نیست. شدت حمله آقامحمد خان و میزان خرابی و نابودی کرمان به حدی بود که این دیار تا سالها از هرگونه تاسیسات و خدمات مدنی عاری گردید. در زمان قاجار نیز محمد اسماعیل خان وکیل الملک با آن ژست صوفی مآبانه و توجهی که به تعمیر ابنیه و بقعه شاه نعمت‌الله ولی نشان داد در تقابل با پسر ابراهیم خان ظهیرالدوله که از رهبران شیخیه محسوب میشد، قرار گرفت. هر چند در این دوره به همت وکیل الملک اهالی کرمان شاهد عمران و آبادانی کم نظیری بودند، اما دو دستگی در این زمان هم بدجور خودنمایی می‌کرد. و این اختلافات ادامه داشت. از تقابل میان امیر اعظم و سردار نصرت نوه وکیل الملک گرفته تا تعارض بین دموکراتهای طرفدار آلمان و طرفداران انگلیس در جریان جنگ جهانی اول، همه و همه به تداوم اختلاف‌هایی اذعان می‌دارند که کرمان امروز ما را وارث همین رویه معرفی می‌نماید. هر چند بایستی بر این مهم معترف بود که سران دسته بندی‌های امروز سیاسی در کرمان علی‌رغم تفکرات متفاوتی که دارند، در اکثر مواقع پای مصالح کرمان که وسط بیاید در کنار هم قرار می‌گیرند و این حسنی است که در مقاطع مختلف تاریخی در این دیار کمتر به چشم خورده است.